

روز پدر در دام اعتیاد و کارتن‌خوابی

به گزارش پایگاه خبری [تحول اجتماعی](#) و خبرگزاری دانشجو:

در روز پدر و ولادت حضرت علی حال و هوای شهر تغییر یافته و افراد در تلاش برای تهیه هدیه و گلی هستند تا پدرانشان را خوشحال کنند و هرچند کوچک کمی از محبت‌های بی‌دریغ پدر را جبران کنند.

بعضی از افراد نیز در سر مزار پدر آسمانی شان هستند و با خرید گل و خیرات شیرینی یاد و خاطره آن‌ها در روز پدر را زنده نگه می‌دارند؛ به عبارتی هر شخص در حد توان خود به پدر خود ادای احترام می‌کند و هدف از این کارها آن هم در روز میلاد حضرت علی علیه السلام، تشکر از زحمات و تلاش‌های دلسوزانه پدر است.

پدران کارتن‌خوابی که روی فرزندان خود را هم نمی‌بینند.

این روز برای برخی از پدرها به گونه‌ای دیگر می‌گذرد دیگر خبری از گل و هدیه نیست و به جای آن تاریکی تنهایی و درد دل‌تنگی مهمان دل‌هایشان می‌شود.

پدران کارتن‌خوابی که به جای بودن نزد خانواده در زیر یک سقف، سقف بالای سرشان آسمان شده است و به جای بودن کنار فرزندانشان در روز مبارکی مانند روز پدر، سالیان سال ست که در دنیای سیاه اعتیاد مانده‌اند و دیگر دیدن روی فرزندانشان جز محالات زندگیشان شده است.

نتیجه اعتیاد: 8 سال دوری از فرزندان و دل‌تنگی عمیق

مجید پدر کارتن‌خواب 52 ساله‌ای است که به گفته خودش حدود 20 سال است که درگیر اعتیاد شده است و 8 سال را به دور از خانواده و به صورت کارتن‌خوابی سپری کرده است. وی پدر 3 فرزند شامل 2 دختر و یک پسر است.

مردی بسیار لاغر با ظاهری نامناسب که حتی توان حمل و جابجایی گونی ضایعات نسبتاً خالی خود را نیز ندارد و هیچ شباهتی به یک فرد 52 ساله ندارد.

مردی خوش‌رو با دستهای سیاه که در جیب‌های لباس چرکش می‌گذارد و سرش را پایین آورد تا چند لحظه قیافه محزون و اشک ریخته‌اش نمایان نشود.

آن طور که مجید می‌گوید به دلیل اعتیاد شدیدش، خانواده و فرزندان او را طرد کرده و به همین علت به کارتن‌خوابی رسیده است و از محل زندگی خود که در استان ایلام بود فاصله گرفته و به تهران آمده است.

مجید می‌گوید طی این 8 سال فرزندان او را ندیده است و تنها دل‌تنگی غربانگیر روزهای او شده است. به دلیل ظاهر ژولیده و نامناسبش که موادمخدر برای او به جا گذاشته است، نمی‌خواهد بچه‌هایش او را با این شکل و شمایل ببینند.

وی می‌گوید برای یک پدر هیچ چیزی جای در کنار فرزندان او را نمی‌گیرد و من 8 سال است که خودم را از این نعمت بزرگ محروم کرده‌ام و تنها آرزو و خواسته‌ام این است که بتوانم ترک کنم و دوباره فرزندانم را ببینم و در آغوش بگیرم.

کارمند اداره‌ای که گازبرکن معتادان شده است!

مصطفی مرد میانسال معتاد دیگری است که عکس دختر بچه‌ای را درون یک کیف گردنی به گردنش آویخته و می‌گوید که عکس دختر 15 ساله اش است که حدود 6 سالی می‌شود که او را ندیده است.

مصطفی اهل کرمان است و ۴۹ سال دارد و قبل از اعتیادش کارمند یک اداره دولتی بود؛ یک گاز فندک در دست گرفته است و با ذوق تاریخ روز پدر را می‌پرسد؛

چند نفر از معتادان که در آن نزدیکی‌ها هستند و به نظر می‌رسد که خودشان هم پدر هستند، اعلام می‌کنند که امسال سه‌شنبه روز پدر است و با هم مشغول صحبت می‌شوند.

مصطفی از زندگی خود پیش از اعتیاد اینگونه می‌گوید که به همراه دوستانش در میهمانی‌های شهر محل زندگی‌اش به صورت تفننی و سرگرمی چند بار تریاک مصرف کرده بود و به مرور زمان از روی عادت کارش به مصرف هروئین و شیشه رسید.

افکار پلید رفیقان پدر دختر 9 ساله

زن این شخص بخاطر شدت گرفتن اعتیاد از او طلاق می‌گیرد و مجدداً با فرد دیگری ازدواج می‌کند و دختر کوچکشان هم در حال حاضر با پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری خود زندگی می‌کند.

مصطفی یک بار دیگر عکس رنگ و رو رفته داخل کیف گردنی‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید اعتیاد همه چیز مرا از من گرفت و البته ادوری فرزند جور دیگری آزاردهنده است.

مصطفی می‌گوید یکبار آنقدر با چند نفر از دوستانم غرق مصرف مواد بودم که متوجه نبودم یکی از دوستانم قصد دست درازی به دخترم را دارد، اگر مادرش نبود معلوم نبود چه بلایی سر او می‌آمد.

امید است با فعالیت صحیح قرارگاه اجتماعی که مدت‌ها است مسئولان شهرداری درباره آن سخن می‌گویند حسرت این پدرهای معتاد و کارتن خواب تمام شود و زندگی بی سر و سامان‌شان رنگ و روی آرامش بگیرد.

منبع خبر: خبرگزاری دانشجو

نویسنده : مدیر تولید محتوا، تاریخ ارسال : چهارشنبه 27 بهمن 1400 ساعت 11:44 قبل از ظهر